

روشن میشود که بشر را بواسطه این قوه بر دیگر اصناف برتری داده
تا بوسیله خواندن و نوشتن بمرحله عالم عالم برسد
عالم الانسان عالم علم - قوه قاهره نطق دراکه و انشاء که عزیزی
بشر و موهبت بشر آفرین است موجب تشکیلات عطیبه دول و قال گردیده
تا ترقی و تنزل ملل بلکه از فلسفه تواریح عمومی استنباط میگردد معلوم
میشود که هر دسته در پرورش قوه انشاء کوشش نمودند بالا رفتند و
هر قومیکه این صفت را ضعیف کردند بوادی نپستی رهسپار شدند - چه
دانا توانا و نادان ناتوان است

عالم صنعت را ایجاد و صنعت کیتی را آباد نموده است و روح الارواح
کل علوم و فنون همین قوه دراکه است و تکمیل این قوه بواسطه گفتن
و نوشتن است زیرا علوم را یا بواسطه درس میتوان آموخت یا مراجعه
بکتاب - پس می بیند که هر علمی در نتیجه گفتن و نوشتن مورد افاده
بواسطه واقع میگردد - این است که ادبیات در تمام مال مقام ارجمندی را
حائز گردیدند - صباح

همایون - آقای صباح رئیس معارف و اوقاف قم در تاسیس این
مجله با ما از هیچ گونه همراهی دریغ نفرمودند - ما از مهربانی ایشان
تعمیر گزارییم .

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مجاهد و تبلیغ

یکی از امتیارات مخصوصه نبی خانم (ص) همانسکه فرمود باری
کرده شدم بسبب رعب چنانچه از يك ماه راد رعب اسلام در قاب کفار
تأثیر مینمود و قبل از جنگ تسلیم میشدند

خدا در قرآن فرموده وقتف فی قلوبهم الرعب (و در بیان حکمت
مربطه و بیه اسب و اسلحه در سرحدات اسلامی که عبادتی است قرین
جهاد میفرماید ترهبون به عدوالله) از این آیات و اخبار معلوم میشود که یکی
از وسائل مهمه ترقی و نفوذ اسلامیان ایجاد رعب بوده در خاطر خصم بلکه

(۱) نصرت بالزعب (۲) لئن سخطت الی یدک لذقتانی ما انا بیاسط
یدی لاقتلک

اگر قدری فکر کنیم ضعف و انهدام هر قومی از یاس و مرغوبیت ایشان است که حس مدافعه و عرق مجاهده آنها را فلج مینماید و از کار می اندازد و دشمن را جری و جسور میکند و بالاترین وسیله فتح و غلبه بر خصم امید مظفریت و شجاعت و عدم مرغوبیت است

میتوان گفت علت انحطاط مسلمین و ضعف شما مؤمنین در قبال دشمنهای داخلی و خارجی برای مرغوبیت و یاس شما است و الا هنوز عدد و مدد شما آنقدرها به تحلیل نرفته که جای سکرت و انقیاد باشد بدیهی است دشمن همینکه خاطر جمع شد که طرف خود مرغوب شده یا بملاحظه دیگری از مدافعه صرف نظر نموده در اقدامات خود جدی میشود و بر جرئت و خسارت خود مینماید و از هیچگونه ظلم و فساد مضایقه روا نمیدارد

اگر در قصه پسران آدم هابیل و قابیل که مبدء خونریزی و فساد و تعدی در زمین است مراجعه شود بخوبی کشف میشود که باعث جسارت قابیل و جرئت کشتن برادرش همانا اطمینان بعدم مدافعه هابیل بود که فرمود اگر تو دست درازی بسوی من کنی من هرگز دست بخون تو دراز نکنم (۲) و بالعکس اگر فرموده بود من هم در مدافعه با تو دست درازی میکنم شاید منصرف شده بود و این باب شنیع ظلم بروی بنی آدم مفتوح نمیشد

در شریعت مقدسه اسلام به عبارات و بیانات مختلفه ایجاد شجاعت و امید ظفر و نصرت در قلوب شما مینماید و بوعده های صریح و صحیح ما را مطمئن میکند (۳) که بالاخره غلبه و فتح با ما است و نباید مرغوب شویم و از احیاء و اظهار حق کوناھی کنیم و بدرجه اهمیت باین موضوع داده شده که پیغمبر (ص) فرموده اصل اعمال امتی انتظار الفرج (و از التزامات و عقاید راسخه قرار داده که عموماً باید منتظر یک دوره عدل نام و فرج تمامی باشند و بدانند که اگر یک روز بمر دنیا باقی باشد دوات حق تشکیل میشود و اسلام مالک الرقاب عالم میگردد (۴)

(۳) ليطهره على الدين كذا... هو الذي ابدكم بنصره - كم من مثه

قليله - سناقی فی قلوب الذين كفروا و العرب الخ (۴) بما لا الارض قسطا وعدلا

هر ملتی که دماغش بمحکومیت و مرعوبیت تزدیق نشد هرگز قیام به استیفاء حقوق خود و مدافعه از حملات خصم خویش نخواهد کرد. انچه ترغیب و تجریص برتذکر مصائب و آفاه عزای ائمه انام خصوص حضرت ای عبد الله علیه السلام و توابعی که مقرر شده برای آنستکه مرده در مقام ناسی فداکاری و مجاهدت را از آن زرگوار یاد گیرند و در جز در مقابل آن همه دشمن آنطور بخوانند که فرمود الهوت خیر من رکوب العار تجدید این مراسم مذهبی در هر سال بلکه در هر روز که کل بوم عاشورا یک شهادتی در مسلمانان غیور ایجاد مینماید که همیشه عرق مجاهدت و حس فداکاری در آنها متحرک باشد و زر بار ننگ و عار مذلت نروند و برقرض آنکه در ظاهر مقهور و اسیر خصم قوی پنجه یاشیم و فشارهای جابرانه آنها را به بنیم روح باید در کمال شجاعت و برهان در نهایت قوت و منطق در غایت بلاغت باشد نمی بینی عابا حضرت عقبه بنی هاشم زینب کبری سلام الله علیها در آن حالت اسارت چگونه با ناطقه بایقه جرئت اقامه حجت مینماید و از همیت و سطوت ظاهره یزید روح مقدسش اسیر و مرعوب نشده و جندان امیدوار بحسن عاقبت و مظفریت است که میفرماید هر کار میتوانی بکن که نام ما باقی خواهد بود

ولی انسوس که گوینده و شنونده کمتر متوجه این نکات و دقائق عالی است و این وقایع مهم تاریخی را که حاکی از عا و همت و کمال عزت است بطور ذلت و اسارت ناآمی می کنند

ای کاش مسلمانها نیز بدهند و بفهمند که غایب دشمن بر آن ها از جهة وفور قوت و زیادی سطوت آنها نیست بلکه از غفلت و کمال ضعف و مرعوبیت ما است

بر واضح است جماعتی که خود را علماً و عملاً معرفی بر قیمت دشمن کردند و از تحمل هر قسم ذاتی و تحمیلی سر بیچینی و مدافعه نکردند چه طور ممکن است آثار تعالی و ترقی و حیات و استعمال در آنها ظهور نماید

آن ها بیگانه واقف بر موز ترفیات مثل میدانند که

همین تکامل و تسامح ما مسلمین است که طوق بندگی و رفیت برگردن
 نه آویخته ، هر روز ضربی کازی به هیکل نازنین اسلام و شعائر اسلامی
 میخورد چه از تمدنین اروپا و چه از وحشیان نجد و حجاز و افریقا
 مع التأسف در این عصریکه تعالی و ترقی هر ملتی بوسیله تبلیغ
 و مجاهدت مربوط شده بحمدالله تعالی مؤنه تبلیغ در هیچ ملتی فراهم و
 مهیا تر از مذهب جعفری و دین حنیف اسلام نیست

ما مسلمانها از مرعوبیت و یاس و خالی بودن دماغ از فکر مظهریت
 بالمره از این وسیله باز ماندند و موقع را غنیمت نمی شماریم و برای
 اینکه خوب مطاب را حتی برای نفس خود مشتبه کنیم بمظلومیت موهومی
 قناعت ورزیده بی غیرتی که بدترین ردائل است در لباس - اخلاق - معنویت
 نجابت متانت احتیاط تقوی تقیه ترك دنیا عرفان علائم ظهور فتنه آخر الزمان
 و و و و در آورد؛ خود را از این تکلیف عینی فوری معاف دانستیم
 در بیشتر استراحت بخواب غفلت رفته ایم و رفته رفته از اعتبارات و حیثیات
 ساقط شده ایم و مهابت اسلام و مسلمین که پشت قیاصرد و اکاسره عالم
 را درهم شکست از دست دادیم و هیچ عظمتی و شکوهی برای مقدسات
 و معضات اسلامی مراعات نمودیم اینستکه مرعوب و مقهور اجانب واقع
 شدیم و از داخله خودمان هم مایوس گردیدیم

این همان غروری است که از مبدء جهالت و فن بزرگ شیطان
 است که باقواء و نایب رذائل خبیثه را بصورت ملکات حمیده و مقبجات
 ها بشکل محسنات در آورده و بکار میبرد و بعبارة اخری طلاق نامه را
 بجای عقد نامه بخرج میدهد گویا هر کس بیغمبری بر نفس خود شده
 بحکام مخصوصی و دستور عاجز آرد؛ عذر خود قرار داده از معاونت
 و فداکاری و مجاهده و تبلیغ که امروز تاثیرش زیادترا از هر اسلحه
 است تسامح ورزیده ایم

ای علماء اسلام ای امراء اسلام ای رؤساء نامی ای برادران گرامی
 این فرمایش مولی امیر المؤمنین علیه السلام است که میفرماید ای ملت
 اسلامی شما جماعتی هستید که در مال عالم مشهور بدانید و به نیک

نامی ذکر میشود و بخیر خواهی معروفید در انوس مردم برای شما
مهاجرتی است که احترام مینماید شما را هر صاحب شرافتی و تعظیم و اکرام
میکند شما را هر ضعیفی

ایران

امروز بر سر سه راه است

ایران تا بیست و اند سال پیش راهی را زیر پا داشت که فرسوده
و افشوده آن راه را میبمود .

چون هیاهوی اروپا ییگیری برخاست راه نوین دیگری بروی این
کشور کهن آسیا باز شد .

اکنون ایران کدام يك از آن دو راه را به پیماید ؟ ..
آیا آن راه دیرین را که نادانها و کمراهها در آن بسیار و
سر منزل سر افکندگی و شرمساری بود یا این راه نوین پرهیاهو را
که پستیها و رسوائیها در او فراوان است و سر منزل جز گرفتاری
و نابودی نخواهد بود ؟ ..

آنچه ما میدانیم راه سوم دیگری بروی ایران باز است و آن
راه خرد و مردمی می باشد - راهی که راهنمای آن خرد و توشه آن
خدا شناسی و مردمی و سر منزل آن آسایش و خورسندی است .
سخن را بازتر بگوئیم : زندگانی که ایران تا بیست و اند سال
پیش داشت رو بهمرفته زندگانی نیکی نبود . راست است که بنیاد آن
زندگی دین بود و دسته های انبوهی از مردم تربیت دینی داشته با يك
رشته ستوده خوبیها از نهبها و نوازی و دستگیری افتادگان و پشیمانان
بیچیزان و فروتنی و از بنوه گذشتگی و مانند اینها آراسته بودند ولی
چه میتوان گفت بان پراکنده دینی ها که سراسر پادشاهانها را خرا گرفته
بود و بان بیهوده کاریها که بنام دین رواج یافته بود و بان پندارهای
بیخردانه که فخرها را آشفته ساخته بود ؟ یا چه میتوان گفت بان
سست نهادی مردم که کمتر توجهی به حال خود و کشور خود داشتند ؟ یا
اگر چه در همه این کارها توده انبوه گناهکار نبودند بهر حال سراسر